

چرا ملی - مذهبی ها بازداشت شدند؟

عوامل متعددی که باعث بازداشت شخصیت های ملی- مذهبی شدند در پشت جنجال های انتخاباتی فراموش می گردد. البته یکی از علل اولین این بازداشت ها تضعیف موقعیت آقای خاتمی است، ولی علل دیگر در شرایط کنونی از نظرها پنهان می ماند:

● یکی از علل آنست که در رابطه با مشکل اقتصادی جامعه - مهندس سبحانی - وزیر بودجه مهندس بازرگان در اوایل انقلاب بوده است نماینده مجلس دوره ی اول - در ضمن تیم کابینه مهندس بازرگان و تکنوکرات های آن دوره را با خود داشته و با نظریه های جدید اقتصادی و اجتماعی بخاطر سوابق طولانی مبارزاتی- (بیش از نیم قرن) کاملاً آشناست.

جمهوری اسلامی با دریافت میلیاردها دلار درآمد نفتی که به فقر بیشتر، اختلاف طبقاتی، ظهور طبقه جدید مرکب از اعوان و انصار روحانیت حاکم یعنی آقازاده ها، تورم هزار درصدی، سیستم اداری ناکارآمد و فاسد (در ضمن 85% آن طبق اظهارات کارشناسان اضافی است) در ماندگی خود را در مدیریت و اداره ی جامعه نشان داده است و دیگر جایی برای ماندن و حرفی برای گفتن ندارد اینها همه نشانگر آن است که تنها نیروی برنامه دار برای ایران فردا نیروهای ملی مذهبی هستند از اینجاست که درصدد شکستن این نیرو است.

● ثانیاً این نیروها عبارتند از مجموعه نیروهایی که دارای سوابق ممتد تاریخی طی نیم قرن هستند و دارای نظریه پردازان اجتماعی، سیاسی و فکری می باشند که برای نسل جوان جامعه که در جستجوی راه حل های جدید برای آینده می گردد پاسخگویی سوالات کارشناسی آنان است. برای نمونه یکی از قدیمی ترین آنها دکتر پیمان است در ضمن در میان دانشگاهیان از اساتید تا دانشجویان، دارای نیروهای متخصص و برجسته ای است که می تواند روی اینها در برنامه ریزی ها حساب کند. امری که جمهوری اسلامی طی بیست دو سال نتوانست چنین نیروهایی را بخاطر برداشتهای سنتی و قدیمی خود از امور، تدارک ببیند اگر چه فرصت طلبانی از نیروهای تحصیل کرده و کارشناس بدو پیوستند که بیشتر به فکر منافع آتی و بهره گیری از شرایط بود و برای آنان منافع ملی و مصالح اجتماعی در درجه دوم اهمیت هم شاید قرار نداشت.

نیروهای ملی - مذهبی غالباً دارای تحصیلات جدید دانشگاهی و کارشناسی بوده و در این حوزه می توانستند به انتخاب اصلح برای امور دست بزنند چون خود در این طیف اجتماعی قرار می گرفته و تضاد اصلی که اینها با نیروهای سنتی داشتند از همین منشاء سرچشمه می گرفت که سنت گران را به عکس العمل و آ می داشت عکس العملی که امروز به بهانه های واهی چون براندازی توسط قضاتی که معلوم نیست در کدام دانشکده درس قضا خوانده اند و بیشتر از باند سعید امامی و فلاحیان هستند به زندان و شکنجه کشیده می شوند و حاکمیت خیال می کند می تواند این نیروهای سابقه دار تاریخی را با صدا و سیمای جمهوری اسلامی در هم بشکند در صورتی که اینها از قبل اعلام کرده اند هرگونه مصاحبه ای بدین گونه از درجه ی اعتبار ساقط است. مخصوصاً که در قرنطیه خبری اینها را از نظر روانی و شخصیتی، شناسایی مغزی می دهند.

● ثالثاً این بست های موجود در سیاست، مدیریت و فرهنگ و ایدئولوژی نسل جوان را گرفتار نوعی بحران هویت کرده بود که با خلاء ایدئولوژیک و تزلزل باورها بیش از همه نظام جهانی سلطه و غارت از آن بهره می برد تنها نیروهای ملی- مذهبی بودند و هستند که با داشتن مبانی اعتقادی - ایدئولوژیک و نمادهای مقاومت در تاریخ معاصر ایران، مصدقاً تا بازرگان و برای نسل جوان معلم بزرگی چون شریعتی، می توانند روشنگر افق های تاریک امروز ایران باشند و علیرغم بند و زنجیرها (در دوران استبداد شاهانه تا استبداد دینی) این نیروها در ذهنیت مردم ایران راهگشای فرادهای روشن

بوده اند و هنوز هم می توانند باشند و دربند کشیدن اینان، جز آنکه بر حقانیت راه آنان تاکید کند و بیفزاید و حرکت تاریخ را شتاب بخشد عملی انجام نمی دهد امری که شاه هم طی سالهای او آخر سلطنت هر چه بیشتر مرتکب شد بیشتر در معرض سقوط قرار گرفت و دیدیم فروپاشی نظام سلطنتی بیکباره انجام و از دست او خارج شد .

● رابعاً- روشنفکر دینی - نوگرائی مذهبی- ایده آلیز کردن باورهای مردم و ... که همه با انقلاب مشروطه آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد بیانگر ضرورتهایی است که متأسفانه سنت گرایان از درک آن عاجزند و بادست خود آب به آسیاب دشمن می ریزند. در رابطه با این ضرورتهاست که هنوز هم می بینیم مراسم سالگردهای بازرگان، دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد و حتی در احمدآباد مزار مصدق با بیشترین جمعیت برگزار می شود و در خفقان حاکم شعارهای عدالت و آزادی در فضا طنین می افکند و خواب راحت قدرتمندان غاصب که بر خلاف قانون و انقلاب 22 بهمن غصب کرده اند حرام می کند. زیرا که باز هم شخصیت های تاریخی ملی - مذهبی با تمام وجود در تمام مراسم ها، عدالت و آزادی را برای مردم ایران علیرغم فشارها و زندان ها فریاد می کنند و پیام آور رهایی مردم ایران در مقاطعی تاریخی از رژیم های خودکامه ی نیم قرن اخیر بوده اند.

روند این حرکت با گسترش روز بروز، جنگ مذهب علیه مذهب را که در یک دو قرن اخیر ملت ایران شاهد آن بوده است تشدید می کند و راه گریز را بر آنانکه انقلاب مردم ایران را از راه اصلی و آرمان های اولیه به بهانه (عبور از بحران) و اسلام حوزوی منحرف کردند مسدود می کند. مخصوصاً که امروز دیگر با جامعه شهری، برای فقه و اسلام حوزوی جایگاهی جز در محدوده های کوچک باقی نمی ماند. چه این نیروها، با تکیه به مردم و نیم قرن تجربه مبارزه ضد استبدادی، ضد استعماری و ... ادامه دهنده ی آرمان ها و هدفهای انقلاب 22 بهمن هنوز هم هستند و با الهام از پیام سرور شهیدان (کل ارض کربلا کل یوم عاشورا) از قبل پذیرفته اند که مبارزه بخاطر کسب حقوق مردم تعطیل بردار نیست. وحشت حاکمیت جهل و خرافات از همین جا ناشی می شود که در می یابند با وجود نوگرایان دینی و پیام های اینان دیگر جایی برای بحث های کلامی و پوسیده و کهنه باقی نمی ماند.

خرداد 1380 تهران - مجید دماوندی